

سوسیالیستی، دموکراتیک و اجتماعی مردم ایران

خبرنامه را در سال جدید به شکل دیگری عرضه می‌کنیم

دلایل ما برای تغییر در شکل و محتوای خبرنامه به شرایطی برمی‌گردد که هم اکنون جنبش‌های اجتماعی در ایران به سر می‌برند. بی‌شک نبود احزاب مستقل و مردمی و سرکوب اکثر نهادهای مستقل مدنی و مهمتر آنکه گسترش کمی و کیفی مبارزات صنفی در حوزه‌های سوسیالیستی (مزدبگیران)، دموکراتیک و اجتماعی و افزایش مطالبات این جنبش‌ها در ایران مجموعاً جامعه ایران را وارد مرحله تازه‌ای می‌کند. چنانچه ما بخواهیم به اولویت‌بندی این جنبش‌ها در حوزه عمومی اقدام نمائیم، نقش جنبش دموکراتیک برجسته‌تر می‌باشد. گرچه جنبش دموکراتیک ایران در پروسه مبارزاتی خود از مطالبات مشخصی دفاع کرده است اما این مطالبات در صحنه امروز مبارزات اجتماعی افزایش کمی و کیفی بیشتری یافته است که از وظایف دموکراتیک در این مرحله می‌توانیم به؛ آزادی‌های اجتماعی که عبارتند از؛ آزادی بیان، قلم، مطبوعات، عقیده، تشکلات صنفی، سیاسی و اجتماعی است، اشاره نمائیم. جنبش دموکراتیک که سابقه‌ای بالغ بر ۱۵۰ سال تجربه را با خود حمل می‌کند بیش از دیگر جنبش‌ها توانسته است مطالبات خود را در کادر و بستر مبارزات قطره چکانی که با سرکوب‌های حاکمیت محدود می‌گردد، یکپارچه‌تر نشان دهد. از طرف دیگر جنبش دموکراتیک اگر نه در همه مطالبات خود بلکه در بخشی از مطالبات صنفی و سندیکائی رابطه مبارزاتی ارگانیک با جنبش سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران دارد.

در کنار ویژگی‌های فوق جنبش دموکراتیک بیش از دیگر جنبش‌های اجتماعی از ابزار فضای مجازی (اینترنت، تلگرام، ایستاگرام و...) برای طرح مطالبات خود بهره می‌گیرد و همانطور که گفتیم چنانچه مطالبات مشترک مابین جنبش‌ها و نقش سازمان‌گرائی آن را لحاظ نمائیم، جنبش دموکراتیک پتانسیل آن را دارد تا بستری برای طرح دیگر جنبش‌ها از جمله «جنبش سوسیالیستی» و پیوند با آنان فراهم سازد و فراموش نکنیم که گرچه بستر عینی زندگی اجتماعی جنبش سوسیالیستی مزدبگیران (خصوصاً بیکاران) عمدتاً در حاشیه‌نشینی شهرها و روستاها محدود می‌گردد، اما بستر عینی و اجتماعی جنبش دموکراتیک در کلان شهرها بوده و در مقطع کنونی مبارزات اجتماعی به شکل جنبش شهری نمایان است که با هدایت جنبش دموکراتیک صورت می‌گیرد. جنبش سبز و تحولاتی که در شهرهای بزرگ در زمان انتخابات از سال ۷۸ و پس از آن ۸۸ و پس از آن در سال ۹۲ همزمان با انتخابات (ریاست جمهوری، مجلس شورا و شوراهای شهر و روستا) صورت گرفته است از نشانه‌هایی است که می‌توانیم رد پای گسترش جنبش دموکراتیک را در آن ببینیم.

ما با اولویت‌بندی در مبارزات جنبش دموکراتیک همراستا با جنبش سوسیالیستی (کارگری) و اجتماعی در ایران تاکید به دو شعار استراتژیک «نان و آزادی» تواما در فعالیت‌های خبرنامه خواهیم کرد. تجربه مبارزاتی جنبش‌های اجتماعی خصوصاً در حاکمیت ۳۸ ساله اخیر ثابت می‌کند که دستیابی به مطالبات جنبش‌ها، با نبود توازن ما بین خواسته‌های آزادی خواهانه با خواسته‌های عدالت‌طلبانه، عدم پیوند مبارزاتی ما بین نیروهای آزادی‌خواه و عدالت‌طلب و مهمتر آنکه نبود سازماندهی در درون هر جنبش و ما بین جنبش‌ها در عرصه طرح مطالبات بی‌واسطه که وجود آن می‌تواند عامل تفاهم و تعامل ما بین جنبش‌های اجتماعی گردد، مجموعاً باعث گردیده تا حاکمیت مطلقه فقهاتی در ایران بتواند از یک طرف به راحتی به سرکوب جنبش‌ها اقدام نماید و از جانب دیگر بر قدرت «زر، زور و تزویر» بیافزاید و رانت‌های ثروت و قدرت به حکومت فرعون‌ی خود ادامه دهند! به این دلایل است که در این دوره تلاش می‌کنیم تا موارد زیر را بصورت تیتروار برجسته نمائیم:

از اهداف ما در خبر نامه؛
 تلاش می‌کنیم تا تواما به انتقال اخبار جنبش‌های سوسیالیستی و دموکراتیک و اجتماعی اقدام
 نمائیم.
 در کنار توزیع خبر به دنبال تولید و منشاء خبر در جنبش‌ها باشیم.
 تلاش می‌کنیم تا در کنار اخبار صنفی جنبش‌ها به طرح سازماندهی و اتحاد عمل در تشکل‌های
 صنفی نیز اقدام نمائیم.
 ترویج استراتژی تشکیلات افقی حزب‌گرایانه با رویکرد مبارزات صنفی - صنفی و صنفی - سیاسی
 با تاکید بر دو بال «نان و آزادی».
 اخبار ما از جنبش‌ها شامل؛
 کارگران و بیکاران (نیروهای مولد و نیروهای بیکار و حاشیه نشین شهر و روستا).
 دانشجویان.
 کارمندان جز، با اولویت به وضعیت معلمان و پرستاران.
 اقوام و اقلیت‌های دینی.
 نهادهای مدنی، صنفی و اجتماعی.

کارگری

روز جهانی کارگر بر تمامی مزدبگیران و فعالین کارگری که در رفع مشکلات صنفی و استقرار نهادهای کارگری مبارزه می‌کنند مبارک باد



پیش به سوی شناخت جنبش کارگری ایران

دستیابی به مطالبات صنفی بزرگترین خواست جنبش مزدگیران است

تا زمانیکه طبقه کارگر ایران وارد فرایند «خود پیدا کردن اجتماعی» نشوند و به «خود آگاهی اجتماعی و طبقاتی» خود باور پیدا نکنند، نمی‌توانند وارد فرایند «سازمان‌گری تشکلی مستقل طبقاتی» بشوند.



تشدید احضار و دستگیری فعالین کارگری در آستانه روز جهانی کارگر

احضار و دستگیری فعالان کارگری

روز ۴ اردیبهشت شیفت امانی فعال کارگری در سنجند و عضو هیات مدیره «اتحادیه آزاد کارگران ایران» در پی تقاضای مجوز برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در سنجند، به اداره اطلاعات این شهر احضار شد، مورد بازجویی قرار گرفت و تهدید شد که برگزاری اول ماه برای او و سایر فعالان کارگری «گران تمام خواهد شد.» همان روز دادگاه انقلاب دزفول علی‌نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نشکر هفت‌تپه و ۶ فعال کارگری و مدنی دیگر را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» از طریق پیامک احضار کرد. اسامی سایر احضار شدگان بدین شرح اعلام شده است: اشرف رحیم‌خانی، زینب کشوری، عزت جعفری، شاپور رشنو، علی محمد جهانگیری و شاکری. کمی پیش از آن سعید یوزی فعال کارگری عضو انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان کامیاران و شورای نمایندگان «کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران» در ابتدای سال جدید دستگیر و زندانی شد. در اسفند ۹۵ نیز تعداد دیگری از فعالان کارگری و مدنی دستگیر شدند. از جمله محمد رضا آهنگر عضو انجمن کارگران ساختمان شهرستان کامیاران که اتهامی نیز برای دستگیری او اعلام نشده است. به این فعالان باید نام زندانیان سیاسی مانند بهنام ابراهیم زاده از اعضای کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران و اسماعیل عبدی از اعضای کانون صنفی معلمان را افزود که به خاطر فعالیت‌های صنفی خود محکوم و زندانی شده‌اند. اسماعیل عبدی از اعضای کانون صنفی معلمان از درون زندان اعلام کرده که در اعتراض به برخورد نهادهای امنیتی و قضایی با فعالان صنفی و امنیتی قلمداد کردن فعالیت‌های صنفی، از ۱۰ اردیبهشت (یک روز مانده به روز جهانی کارگر) اعتصاب غذا خواهد کرد.

در آستانه روز جهانی کارگر:

پرونده سازی‌های امنیتی و حقوق شهروندی!

«؛ باز هم تهدید و احضار فعالان». در این اطلاعیه به تازه‌ترین نمونه احضار فعالان کارگری اشاره کرده و گفته است که قوه قضائیه و دادگاه‌ها در آستانه اول ماه مه «با پرونده سازی‌های امنیتی علیه فعالان کارگری، جو تهدید و ارباب را به نفع کارفرمایان و سرمایه‌داران» شدت بخشیده‌اند. در این بیانیه با اشاره به احضار علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت‌تپه و ۶ فعال کارگری و مدنی دیگر توسط دادگاه انقلاب دزفول آمده است: «این روند برای کارگران ایران روش شناخته شده‌ای است که مستمر با آن رودررو هستند. از بگیر و ببند و اخراج و بیکار سازی گرفته تا صادر کردن حکم شلاق برای کارگرانی که در چنگال مشکلات مالی گرفتارند، در پرداخت اجاره خانه در مانده‌اند، و از تأمین حداقل هزینه زندگی، خوراک، پوشاک، بهداشت و تحصیل فرزندان‌شان ناتوان‌اند، در حالی که بسیاری از کارفرمایان خصوصی و دولتی حتی از پرداخت حقوق کارگران سرپیچی می‌کنند. حکومت اعتراض کارگران علیه شرایط مستمندسازی را «برهم زدن امنیت» و «تبلیغ علیه نظام» می‌نامد.» در این بیانیه گفته شده که احضار فعالان کارگری در حالی صورتی می‌گیرد که در آستانه انتخابات درباره «حقوق شهروندی» «وعده‌های توخالی و کرکنده» داده می‌شود. نویسندگان این بیانیه می‌پرسند: «آیا میلیون‌ها کارگر، معلم، بازنشسته، کارکنان بیمارستانی، بیکاران، زنان و کودکان، دانشجویان، دستفروشان و حاشیه نشینان، «شهروند» این جامعه به حساب نمی‌آیند که علاوه بر محرومیت، باید به چارمیخ کشیده شوند؟» پنج تشکل کارگری در پایان خواهان آزادی بی‌قید و شرط فعالان کارگری و مدنی فعالان جنبش‌های آزادی‌خواه و زندانیان سیاسی شده و «هرگونه پرونده سازی امنیتی» علیه این فعالان را محکوم کرده‌اند.

احضار به اداره اطلاعات سنندج و تهدید یک فعال کارگری

شیت امانی فعال کارگری و عضو هیات مدیره «اتحادیه آزاد کارگران ایران» در پی احضار قبلی، روز گذشته به اداره اطلاعات سنندج مراجعه و پس از بازجویی از سوی مامورین امنیتی تهدید شد که در صورت برپایی مراسم روز جهانی کارگر با برگزار کنندگان برخورد خواهد شد. گفتنی است وی همراه با چند فعال دیگر شهر سنندج روز ۲۶ فروردین ماه، با تحویل نامه ای به فرمانداری سنندج، خواهان صدور مجوز برگزاری مراسم روز جهانی کارگر شدند. به نقل از اتحادیه آزاد کارگران ایران، شیت امانی فعال کارگری و عضو هیات مدیره «اتحادیه آزاد کارگران ایران» که روز سوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۶، از سوی ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج با استناد به مجوز قضایی احضار شد، روز دوشنبه چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۹۶، پس از مراجعه به این نهاد مورد بازجویی قرار گرفت و از سوی مامورین امنیتی تهدید شد. شیت امانی همراه با برخی دیگر از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و فعالین کارگری شهر سنندج روز ۲۶ فروردین ماه ۱۳۹۶، با تحویل نامه ای به فرمانداری سنندج خواهان صدور مجوز برگزاری روز جهانی کارگر شدند که در پی آن شیت امانی از سوی اداره اطلاعات سنندج احضار شد. این فعال کارگری پس از حضور در اداره اطلاعات مورد بازجویی قرار گرفت و تهدید شد که «چنانچه شما و یا هر یک از اعضای اتحادیه در شهر سنندج اقدام به برپایی مراسم اول ماه روز جهانی کارگر کنند برایشان گران تمام خواهد شد.

کارخانه قند کامیاب تعطیل شد

دومینوی تعطیلی کارخانه ها به «قند کامیاب» رسید و این کارخانه پس از ۴۴ سال تعطیل شد. حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ کارگر این کارخانه از کار بیکار شده‌اند. عضو انجمن تصفیه‌کنندگان شکر خبر تعطیلی کارخانه قند کامیاب اصفهان را تأیید کرد و گفت: این کارخانه متأسفانه دیگر هیچ فعالیتی ندارد و کارگران آن به خانه رفته‌اند



رانندگان نفتکش کرمان به دلیل کاهش هزینه حمل و نقل اعتصاب و تجمع کردند

صبح روز یکشنبه سوم اردیبهشت ماه ۹۶، رانندگان تعداد زیادی از کامیون‌های حامل سوخت کرمان دست از کار کشیده و با کامیون‌های خود مقابل شرکت نفت کرمان تجمع کردند. چندی پیش یک شرکت بزرگ نفتی با عنوان برنندسازی، اغلب شرکت‌های نفتی در استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان را تحت پوشش خود قرار داد. این شرکت تمامی رانندگان تانکرهای نفتکش را ملزم کرد با نرخ‌هایی که توسط خودشان تعیین شده به حمل و نقل مواد سوختی بپردازند و این قیمت‌ها را آنقدر پایین در نظر گرفت که موجب اعتراض رانندگان شده است. یکی از رانندگان کرمانی در این باره گفت: «تا قبل از تاسیس این شرکت، ما برای طی مسافتی مشخص ۷۵۰ هزار تومان دریافت می‌کردیم. اما این شرکت ما را ملزم می‌کند که همان مسیر را با دستمزد ۳۰۰ هزار تومان طی کنیم.»

فرخنده است اول ماه مه؛ روز جهانی کارگر

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران به مناسبت اول ماه می روز جهانی کارگر

در بخش هایی از این اطلاعیه آمده که؛ دفاع نویسندگان از منافع کارگران دفاع از منافع خودشان است؛ همچنان که پشتیبانی کارگران از آزادی بیان حمایت از حق آزاد زیستنشان است... در پهنه‌ی اجتماع نویسندگان و پدیدآوردندگان فرهنگی نیز زیست و سرنوشتی همچون کارگران دارند. گره‌گاه هم‌سرنوشتی نویسندگان و کارگران فقط شهروندی در جامعه‌ای مشترک نیست بلکه پیوندهایی جدی‌تر دارد: تا آنجا که نویسندگان در ازاء نوشته‌های خود مزد می‌گیرند، مزدبرانی هستند همچون دیگر مزدبگیران در چهارچوب مناسبات موجود. به این معنا هنگامی که دولت‌ها هر سال حداقل دستمزد کارگران را تعیین می‌کنند، بر خلاف ظاهر امر، میزان بر خورداری نویسندگان از زندگی را نیز رقم می‌زنند. انتظار بیهوده‌ای است که دستمزد کارگران جامعه چند بار زیر خط فقر «توشیح» شود؛ آنگاه کسانی که با کار فکری گذران می‌کنند بتوانند از شرایط بهتری برخوردار باشند. حق بر خورداری ما نویسندگان از امکانات زندگی را نیز همان زمان رقم می‌زنند که حداقل دستمزد را اعلام می‌کنند. هیچ دیوار ستبری این عرصه‌ها را از هم جدا نمی‌کند و هیچ پرده‌ی توهمی نیز نباید چنین کند. محرومیت نویسندگان چه در مناسبات اقتصادی و چه در دیگر زمینه‌ها از آن روست که بزرگترین طبقه‌ی اجتماعی جامعه بی‌بهره از حقوق و نایرخوردار است. بنا بر این دفاع نویسندگان از منافع کارگران دفاع از منافع خودشان است؛ همچنان که پشتیبانی قشرهای دیگر از جمله کارگران از آزادی بیان و ستیز با سانسور حمایت از حق آزاد زیستنشان است. در ایران به موازات فرو کاستن بی‌وقفه‌ی سطح معیشت کارگران از خط حداقل‌ها به خط فقر و از مسکنت به خط بقا که سرمنشا بسیاری از رنج‌ها و تباهی‌هاست، مقابله با آن نیز شدت و گسترش یافته است. در یکی دو سال اخیر تقریباً هیچ روزی نبوده است که کارگران بخش‌های مختلف برای دستیابی به خواسته‌ها و مطالبات معوق خود به خیابان نیامده و با بگیر و ببند و پرونده‌سازی و شلاق حاکمیت روبرو نشده باشند؛ از این رو خواست آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا و لغو همه‌ی اشکال سانسور فقط امر نویسندگان نیست بلکه به کارگران نیز مربوط است تا دیگر به صرف بیان اعتراض، پیگیری خواست‌ها و ایجاد تشکل محاکمه و زندانی نشوند... کانون نویسندگان ایران اول ماه مه را به کارگران ایران و جهان شادباش می‌گوید و خواهان آزادی همه‌ی فعالان کارگری و نویسندگان و روزنامه‌نگاران در بند و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی است؛ خواهان مختومه شدن پرونده‌های امنیتی گشوده شده برای کارگران و نویسندگانی است که «جرمی» جز بیان اعتراض و کوشش برای رسیدن به حق خود ندارند.

کانون نویسندگان ایران ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶

احضار ۴ کارگر معترض سیمان مسجد سلیمان

۴ نفر از کارگران معترض کارخانه سیمان مسجد سلیمان (کارون) با شکایت کارفرما به دادسرای مسجد سلیمان احضار شدند. کارگران کارخانه سیمان سلیمان می‌گویند که دلیل احضار همکاران آنها سلسله تجمعات صنفی بوده است که از بهمن و اسفند ماه سال گذشته در این واحد تولیدی برپا شده بود. گفته می‌شود که ۴ کارگر احضار شده از سوی کارفرما به انجام اغتشاش، اخلال در نظم و جلوگیری از اجرای پروژه فاز دوم کارخانه متهم شده‌اند و قرار است صبح روز چهارم اردیبهشت ماه در محل دادسرای مسجد سلیمان حاضر شوند. در عین حال همکاران این کارگران تاکید دارند دلیل اعتراض‌های پنجاه روزه آنان پرداخت نشدن دست کم ۴ ماه حقوق معوقه بوده است و هیچ کدام از کارگرانی که اکنون کارفرما از آنها شکایت کرده است در شکل‌گیری و استمرار این اقدام صنفی نقش خاصی نداشته‌اند.

۹۰۰ هزار کارگر ساختمانی ۴ سال در انتظار تحقق وعده بیمه درمانی هستند

در حال حاضر حدود ۹۰۰ هزار نفر در کشور منتظر بیمه شدن هستند. آقای ربیعی اعلام کردند که تا پایان سال حدود ۲۰۰ هزار کارگر ساختمانی بیمه می‌شوند؛ اما این وعده درست نبود و در سال‌های قبل هم اعلام شده است. تعدادی از کارگران کارت‌های مهارت سال ۹۱ و ۹۲ را دارند اما هنوز بیمه نشده‌اند، یعنی حدود ۴ سال در انتظار بیمه هستند. حدود ۱۵۰ هزار نفر را تا کنون حذف کرده‌اند. از سال ۸۹ تا کنون حدود ۱۵۰ هزار نفر به‌خاطر اینکه شغلشان کارگر ساختمانی نبوده است از چرخه بیمه حذف شده‌اند اما هنوز جایگزینی برای آن پیدا نشده است. با وجود تأکیدات ربیعی در سال ۹۵ هنوز سهمیه بیمه کارگران ساختمانی اعلام نشده است. سازمان تأمین اجتماعی در سال ۹۲ از طریق دریافت یک درصد از مالیات بر ارزش افزوده شهرداری حدود ۹۰۰ هزار میلیارد دریافت کرد تا پایان ۹۲ حدود ۸۰۰ هزار نفر را تحت پوشش بیمه کند که حدود ۶۰۰ هزار نفر تحت پوشش بیمه قرار گرفتند. در سال ۹۳ هیچ کارگری بیمه نشد. در سال ۹۴ هم سه سهمیه ۱۰۰ هزار نفری از سوی تأمین اجتماعی اعلام شد و بیش از ۹۰ هزار نفر از چرخه حذف شدند، اما در سال ۹۵ هم هیچ کارگری بیمه نشد. امسال هم ربیعی وعده بیمه کردن ۲۰۰ هزار نفر را داده اما به نظر می‌رسد مانند سال‌های گذشته وعده و وعید باشد.

به مناسبت روز معلم؛

جنبش معلمان ایران در ترازوی ۶۴ سال فراز و فرود تاریخی خود

از فروردین ماه سال ۱۳۳۱ (یعنی در زمان دولت مصدق) که برای اولین بار در تاریخ جنبش‌های مدنی و سیاسی و اجتماعی گروه‌های مختلف اجتماعی جامعه ایران با حمایت دولت دکتر محمد مصدق توسط گروه‌های نمایندگان معلمان (بیش از هفتاد شهر ایران نخستین کنگره سراسری آموزگاران ایران در تهران برای مدت سه روز بر پا شد) جنبش معلمان یا آموزگاران ایران به صورت رسمی و سراسری مادیت و هویت پیدا کرد. مصدق برای دستیابی به جامعه مدنی استوار و برنامه‌نهادینه کردن جنبش‌های سیاسی و دموکراتیک و کارگری و اجتماعی ایران، به دو جنبش کارگری و معلمان بیشتر توجه داشت که به صورت دو پرولتاریای بیدی و ذهنی آماده بودند در راه اهداف دموکراتیک و ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی و ضد استثمار و ضد استبدادی مصدق همه توانشان را فدا کنند تا شاید بتوانند زنجیرهای قرار گرفته بر دست و پای خود را پاره کنند.

لذا در برنامه مصدق در کنار سازماندهی مستقل طبقه کارگر هم پیمان طبیعی این طبقه جنبش معلمان ایران قرار داشت که برای بیش از ۲۰ سال بود که این جنبش به صورت پرولتاریای فکری با فروش نیروی فکری خود به دستگاه آموزش و پرورش رضاخانی حداقل زندگی بخور و نمیری هم صاحب نمی‌شد و در زیر خط فقر و خط بقاء «با سیلی صورت خود را سرخ نگه داشته بود». علی‌ایحال در همین رابطه بود که با حمایت دولت مصدق در فروردین ماه سال ۱۳۳۱ نخستین کنگره سراسری معلمان ایران که نمایندگان معلمان بیش از ۷۰ شهر و کلان شهر ایران بود در آن شرکت کردند و برای مدت ۳ روز در تهران به صورت متوالی تشکیل جلسه دادند و تلاش کردند تا جنبش معلمان ایران را با همه کاستی‌های تشکیلاتی و سازماندهی که در آن شرایط تاریخی داشت در جایگاه واقعیت و در کنار جنبش‌های کارگران و زنان و روزنامه‌نگاران و دانشجویان ایران قرار دهند که البته در این امر هم موفق شدند.

چراکه نخستین مولود این نشست سه روزه کانون صنفی معلمان ایران بود که در آن زمان توانست با بیش از چهار تشکل استانی و شهرستانی که صاحب شد تا کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ جنبش معلمان ایران را هدایت بکند و در سال‌های نخستین دهه چهل دوباره همین تشکیلات سراسری جنبش معلمان ایران توانست با استفاده از فضای باز سیاسی اقدام به بازسازی و بازتولید حرکت خود بکند. آنچنانکه که با شهادت دکتر خاتمی بحران سیاسی فراگیری جامعه استبدادزده و کودتازده ایران را فرا گرفت و از بعد از این بود که کانون انجمن صنفی معلمان که همان کانون صنفی معلمان می‌باشد توسط شورای هماهنگی صنفی معلمان تکوین پیدا کرد. به این ترتیب بود که جنبش معلمان ایران از فروردین سال



۱۳۳۱ در راستای مبارزه با تبعیض و نابرابری و شرایط سخت و کمی دستمزد و بدی شرایط کار و بهسازی ساختار آموزشی و بهبود حقوق شهروندی و حقوق انسانی و همسان سازی مشاغل معلمان ایران و جلوگیری از خصوصی سازی مدارس و چانه زنی با کارفرمایان و از میان برداشتن گرفتاری‌های اقتصادی معلمان برای دستیابی به یک زندگی و کار آبرومندانه و فراهم کردن محیط کاری شرافتمندانه پا به عرصه حضور گذاشت که مدت بیش از ۶۴ سال است که این جنبش فراگیری که امروز بیش از یک میلیون نفر معلمان شریف ایران عضو این جنبش فراگیر می‌باشند، خواستگاهش مدرسه و کلاس است و درخواستش هم بنیان‌های معیشتی و منزلتی می‌باشد، که به صورت آشکار و مخفی در جامعه فقه زده و استبدادزده ایران در حال مبارزه می‌باشند، و در این رابطه رژیم توتالیتر شیخ و شاه را به چالش کشیده‌اند.

اما در این ۶۴ سالی که از عمر جنبش معلمان ایران می‌گذرد، جنبش معلمان ایران نشان دادند که وابسته به هیچیک از جناح‌های قدرت رژیم مطلقه فقهانی نمی‌باشند و بیزار از جنگ حیدر و نعمتی جناح‌های بالائی قدرت بر سر تقسیم قدرت هستند. و نباید فراموش بکنیم که در چارچوب آرایش گروه‌های اجتماعی برحسب پتانسیل طبقاتی و کمیت اجتماعی بعد از طبقه کارگر ایران جنبش معلمان ایران قوی‌ترین نهاد مدنی هستند که (با جمعیت بیش از یک میلیون خانوار معلمان ایران که پیوندی تنگاتنگ با تمامی خانواده‌های مردم ایران از دور افتادترین روستا تا کلان شهرهای ایران دارند) می‌توانند صاحب گسترده‌ترین و مدنی‌ترین جنبش اجتماعی ایران بشوند و در راستای دستیابی به خواسته‌های خود تلاش کنند و به پیروزی برسند. خواسته‌هایی همچون؛

- ۱- شرایط بهتر زندگی. ۲- افزایش حقوق و دستمزد. ۳- جلوگیری از خصوصی سازی مدارس. ۴- نفی تبعیض و نابرابری.
- ۵- حق اعتصاب. ۶- حق ایجاد تشکل‌های مستقل. ۷- تغییر وضعیت معلمان پیمانی و نیمه وقت. ۸- همسان سازی مشاغل.



۹- بهبود ساختار آموزشی. ۱۰- آموزش رایگان برای فرزندان ملت ایران. ۱۱- آزادی همکاران در بند خود. ۱۲- مبارزه با طبقاتی شدن آموزش در جامعه ایران.

چراکه وجود تبعیض و نابرابری و شرایط سخت معلمی و کمی دستمزد و بدی شرایط کار در طول چهار دهه که از عمر رژیم مطلقه فقهاتی ایران می‌گذرد درد مشترک همه معلمان ایران می‌باشد که

نیاز مقابله همگانی با این درد مشترک معلمان ایران بستر ساز نیاز معلمان به سازماندهی سراسری جهت مقابله کردن با این نابرابری‌های اجتماعی جامعه امروز ایران می‌باشد. آنچه که باعث شد تا دو تشکل صنفی معلمان یعنی؛ کانون انجمن‌های صنفی معلمان ایران و سازمان معلمان ایران در طول ۶۳ سال گذشته نتوانند به حداقل خواسته معیشتی و صنفی معلمان ایران دست پیدا کنند عبارتند از: الف- حاکمیت فضای امنیتی و پلیسی بر جامعه ایران. ب- بالا رفتن هزینه مبارزه مدنی و صنفی یا سیاسی در جامعه ایران. ج- ضعف تنوریک جنبش معلمان ایران. د- عدم بلوغ تشکیلاتی معلمان ایران. ه- بی اعتمادی معلمان ایران به مبارزه تشکیلاتی و حزبی که بستر ساز گریز از حزب‌گرایی و تشکل پذیری معلمان ایران در جامعه امروز ایران شده است. لذا این آسیب پنج گانه باعث گردیده است تا این دو تشکیلات صنفی معلمان ایران نتوانند به صورت آزاد و علنی به هدایتگری جنبش معلمان ایران بپردازند بطوریکه شاهد بودیم که آقای اسماعیل عبیدی دبیر کل کانون صنفی معلمان ایران که برای شرکت در کنگره فدراسیون بین‌المللی معلمان جهان (که قرار بود در روزهای ۲۱ و ۲۶ جولای ۲۰۱۵ در اتاوا پایتخت کانادا تشکیل بشود) دعوت شده بود، از آنجائیکه رژیم مطلقه فقهاتی جهت خروج آزادانه آقای عبیدی به کانادا به او مجوز ندادند مشارالیه کوشید از طریق ارمنستان به کانادا برود لذا در مرز جلفا بعد از شناسائی او توسط سر انگشتان رژیم دستگیر شد و به زندان اوین منتقل گردید



و البته این در شرایطی است که هنوز بسیاری از فعالان اولیه این تشکیلات امثال رسول بداعی یا محمود باقری یا علیرضا هاشمی یا اکبر باغانی و غیره در زندان‌های رژیم مطلقه فقهاتی به سر می‌برند. بنابراین به این دلیل است که جنبش معلمان ایران در این شرایط نیاز به بازسازی و نهادینه شدن مجدد و فوری دارد چرا که: ۱- پراکندگی. ۲- تک روی. ۳- آشفتگی. ۴- محفل‌گرایی. بزرگترین آفاتی است که امروزه کشتی جنبش معلمان ایران را به گل نشانده است.

طبیعی است که تا زمانی که جنبش معلمان ایران نتواند دست به آسیب‌شناسی جدی خود بزند و به درمان این ضعف‌های اساسی در عرصه تنوری و تشکیلات جنبش خود بپردازد نمی‌تواند در این زمان حساس تاریخ جنبش ایران در جایگاه واقعیش در کنار دیگر جنبش‌ها قرار بگیرد. تنها راهی که برای بازسازی فراگیر دو تشکیلات صنفی معلمان ایران یعنی تشکیلات کانون صنفی معلمان ایران و سازمان معلمان ایران باقی می‌ماند اینکه توسط آموزش‌های سیستماتیک خود بتوانند به نهادسازی تشکیلاتی به صورت طولی و عرضی در میان بیش از یک میلیون خانواده معلمان ایران بپردازند که نخستین نیاز نهادسازی این دو تشکیلات صنفی معلمان ایران و همراه سازی بدنه واقعی جنبش معلمان ایران توسط: ۱- کم کردن هزینه مبارزه برای معلمان. ۲- بستر سازی پیوند بین معلمان از طریق شبکه‌های مجازی. ۳- تقویت مبارزه جنبش معلمان ایران از سوء استفاده جناح‌های بالائی قدرت با اولویت به شعار «نه چپیم نه راستیم فقط معلم هستیم». ۴- تاکید بر فرآیند صنفی مبارزات جنبش معلمان ایران در شرایط فعلی و پرهیز از سیاسی کاری. ۵- جلوگیری از مبارزات «جزیره‌ای» و ایجاد هماهنگی طیف‌ها در زیر چتر کانون انجمن صنفی معلمان یا کانون صنفی معلمان. اقتباس از سایت مستضعفین ایران/ مقاله جنبش معلمان ایران در ترازوی ۶۴ سال فراز و فرود تاریخی خود

ساده می‌گویم چون شغلم ساده انگاشته شده

اینک روز معلم دیگری فرا رسیده، بچه‌ها شور و اشتیاق فراوانی دارند که از معلم خود تقدیر و تشکر کنند. همه با یک شاخه گل به مدرسه آمده‌اند، منتظر ورود معلمشان هستند که گل را با یک دنیا عشق تقدیمش کنند. می‌دانم که دلت فقط به این شاخه‌های گل خوش است نه به وعده‌های دروغین. می‌دانم با کوله‌باری از مشکلات به مدرسه می‌آیی، ولی همه‌ی مشکلاتت را پشت در کلاس می‌گذاری و با روی باز وارد کلاس می‌شوی. که مبادا دانش‌آموزت متوجه دردهایت شود. انگار نه انگار که زیر گرفتاریهای زندگی کمر خم کرده‌ای. هیچکس به فکرت نیست. آرامش نداری. درد داری ولی به زبان نمی‌آوری. معلم سکندار آموزش و پرورش در کشور است. معلم توجه بسیار نیاز دارد. باید بدون دغدغه وارد کلاس شود تا بتواند دانش‌آموزان مستعد را تحویل جامعه دهد. می‌دانم هیچ امکانات رفاهی نداری. حقوقت مکفی نیست. مشکلاتت زیاد است. تصویری که از شغل معلمی در جامعه شکل گرفته متفاوت با واقعیت است. معلم تنها دغدغه‌اش معیشت نیست بلکه دغدغه‌ی آموزشی هم دارد نگران سیستم آموزشی کشور است. نگران آن دانش‌آموزی است که به جای کلاس و مدرسه سر چهار راه گل می‌فرودشد. نگران کودکان کار است. نگران پولی شدن آموزش است. معلم در مقایسه با سایر ارگانها هیچ امکانات رفاهی ندارد. اگر معلم تامین نباشد، نمی‌تواند آنطور که باید به وظیفه خود عمل کند. هر سال که می‌گذرد علاقه به شغل معلمی کمتر میشود. آری، معلم سالها درد و رنج را متحمل میشود و فقط دلش به شاخه گل‌های دانش‌آموزان خوش است نه به وعده و وعده‌های دروغین مسئولین.....

کتابیون خزعلی معلم

اعتراض جعفر عظیم زاده به قوه قضائیه؛

ما با به راه انداختن جنبشی بزرگ علیه امنیتی کردن فعالیتهای صنفی و مدنی

اجازه نخواهیم داد جان اسماعیل عبدی به خطر بیافتد

پنج روز از انتشار نامه اسماعیل عبدی گذشت و تنها سه روز به آغاز اعتصاب غذای این معلم برجسته و حق طلب باقی مانده است. با این حال قوه قضائیه دولت جمهوری اسلامی هیچ عکس العملی در قبال به خطر افتادن جان اسماعیل و رسیدگی به خواستههای او از خود نشان نداده است. انتظاری نیز بیش از این نمیتوان از سیستمی داشت که امنیتی اعتراضات صنفی و مدنی و به زندان انداختن انسانهای بزرگی چون اسماعیل عبدیها، بخش لاینفکی از موجودیتش است. نیازی به تاکید نیست که در سیستمی که معلمان بدلیل فقر و تنگدستی به سرویس ایاب و ذهاب دانش آموزان تبدیل شده اند و دهها مصیبت اجتماعی دیگر از قبیل فقر و تنگدستی بازنشستگان تا غارت دسترنج کارگران و معلمان در صندوقهای بازنشستگی، تن فروشی زنان، اعتیاد به مواد مخدر و کلیه فروشی، تا کارتن خوابی و گور خوابی و تگدی گری و واماندگی از گذران زندگی بیداد میکند جان انسانهای بزرگی چون اسماعیل عبدیها هم برای آن سیستم ارزشی داشته باشد. اما سیمای یک جامعه هشتاد میلیونی تنها به سیستم حاکم بر آن خلاصه نمیشود چرا که در این طرف و در نقطه مقابل، صنفی میلیونی از انسانهای شریف وجود دارد که اسماعیل و اسماعیلها مایه مباهات و افتخارشان است. اسماعیل عبدی، بهنام ابراهیم زاده و دهها فعال مدنی و سیاسی آزدیخواه و عدالت طلب در بند، هیچ جرمی جز به خطر انداختن امنیت و منافع چپاولگرانه اقلیتی دزد و غارتگر مرتکب نشده اند. آنان سر سخت ترین مدافعان امنیت ما مردم ایران هستند و برای دست یابی به جامعه ای امن و آزاد و برابر که کارگران و معلمان و بازنشستگانش دغدغه نان نداشته باشند و کودکان و جوانانش بی هیچ دغدغه ای بالاترین مدارج تحصیلی را طی کنند، در مقابل کسانی قرار گرفته اند که امنیت ملی برای آنان معنایی جز امنیت غارتگری هایشان ندارد. اسماعیل و اسماعیلها نماینده شایسته مطالبات ما کارگران و معلمان ایران هستند. ما با تمام قوا از اسماعیل عبدی و مطالبات بر حق اش به دفاع بر خواهیم خواست و با برآه انداختن جنبشی بزرگ علیه امنیتی کردن فعالیتهای صنفی و مدنی، اجازه نخواهیم داد جان او و دیگر زندانیانی که برای دستیابی به مطالباتشان به اعتصاب غذا روی می آورند به خطر بیافتد.

جعفر عظیم زاده - ششم اردیبهشت ماه ۱۳۹۶

آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی باز هم تجمع کردند

امروز آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی سراسر کشور مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. در این تجمع که از ساعت ده صبح مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار شده است، حدود ۱۵۰ نفر از آموزش دهندگان شرکت دارند. یکی از حاضران در تجمع میگوید: خواسته ما اجرای طرح تبدیل وضعیت آموزش دهندگان است که با وجود تصویب در شهریور ۹۵، هنوز اجرایی نشده است. این تجمع کننده با بیان این که در اعتراض به بد عهدیها به تهران آمده ایم، خواستار رسیدگی نمایندگان مجلس به وضعیت نابسامان شغلی کادر آموزشی نهضت سوادآموزی شد.

بیانیه کانون صنفی معلمان البرز در حمایت از اسماعیل عبدی

نامه اخیر اسماعیل عبدی عضو کانون صنفی معلمان تهران از بند ۳۵۰ زندان اوین خطاب به قوه قضائیه بار دیگر دستگاه قضایی را در جایگاه متهم نشانده است. اسماعیل عبدی در این نامه ضمن اعتراض به عدم استقلال قوه قضائیه در «صدور احکام امنیتی» برای فعالان تشکل های صنفی، خواسته ی صریح خود را «خروج روند پیگیری پرونده اش از حالت امنیتی به عادی» مطرح کرده است. متأسفانه دستگاه قضایی تاکنون در برخورد با برخی فعالان صنفی به گونه ای عمل نموده است که با دستگیری هر یک از آنان، پیش از آنکه دستگیرشدگان را در جایگاه متهم بنشانند، خود در موضع اتهام قرار گرفته است و لازم است نسبت به عملکرد خویش حداقل در پیشگاه جامعه معلمان کشور پاسخگو باشد. دستگاه قضایی در این موارد باید بیش از هر چیز تلاش کند تا خود را از موضع اتهام خارج کند و به جامعه معلمان ثابت کند مرزهای قانونی را زیر پا نگذاشته و عمل خلافی مرتکب نشده است. کانون صنفی معلمان البرز ضمن حمایت از خواسته ی مشروع اسماعیل عبدی از دستگاه قضایی انتظار دارد در پیگیری و اجرای این خواسته حداقلی، جدیت و اهتمام لازم را داشته باشد؛ چرا که در غیر اینصورت می بایست مسئولیت و عواقب ناشی از بی توجهی به چنین خواسته ی مشروعی را بپذیرد. اسماعیل عبدی پیشتر و در سال گذشته نیز در اعتراض به بازداشت و حبس ناعادلانه خود دست به اعتصاب غذا زده بود که متأسفانه هنوز هم به عوارض ناگوار جسمانی آن اعتصاب غذا دچار است و قطعاً اعتصاب غذای دوباره، وضعیت سلامت ایشان را به مرحله ای بسیار وخیم تر و خطرناکتری خواهد کشاند که امیدواریم با درایت و تدبیر مسئولان دستگاه قضایی، کار به آنجا نیانجامد.

کانون صنفی معلمان البرز دوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۶

تجمع معلمان بازنشسته مقابل سازمان برنامه و بودجه

تعدادی از معلمان بازنشسته کشور مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. این چندمین بار در ماه‌ها و هفته‌های جاری است که معلمان بازنشسته مقابل مجلس و نهادهای ذیربط دیگر تجمعات اعتراضی برگزار می‌کنند. خواسته معلمان بازنشسته پرداخت مطالبات مزدی از جمله پاداش پایان خدمت، اجرای صحیح همسان سازی مستمری‌ها و ارتقاء خدمات درمانی بیمه تکمیلی است.

نقد و ارزیابی فعال فرهنگی از سازماندهی نهادهای صنفی معلمان؛

پیشنهاد به تغییر ساختار تشکیلاتی نهادهای صنفی فرهنگیان و هماهنگی فعالیتها

- تشکل های بسیاری عملاً تشکل را به جمعی محدود تنزل داده و هر نوآوری کنشگران جدید و ورود دادن جمع گسترده تر معلمان را در تشکل به بهانه مختلف بر نمی تابند. در چنین شرایطی مفیدترین شیوه بهره گیری از قدرت شورای هماهنگی برای خروج از چنین روندی است. لازم می نماید شورای هماهنگی در اولین فرصت اقدام به تدوین آیین نامه اجرایی جدید کند و تشکل های عضو را به تمکین از قوانین شورا ملزم کند. شرط عضویت تشکل ها در شورا منوط به نظارت کامل شورا در جریان انتخابات و ساز و کارهای بعدی تشکیلاتی شود. حق رای در شورا شایسته ی تشکل هایست که منطبق با آیین نامه شورا انتخابات خود را برگزار کنند و ناظرین شورا در جریان برگزاری مجمع های تشکل های عضو نظارت کافی داشته باشند. همچنین تشکل عضو شورا حداقل استاندارد مورد نظر شورا را در داشتن عضوهای واقعی که حق عضویت مستمر پرداخت نمایند، رعایت کرده باشد. این مهم توان عملیاتی کردن و اجرای مصوبه های شورا را در تشکل های عضو چند برابر می کند. گزارش مستمر فعالیت ها و کنش های صنفی تشکل عضو به شورا هم ضرورت تمام دارد.

- شکل گیری کمیته های شورا به شکل جدی و سپردن مدیریت کمیته ها به اهل فن و متخصصان امر الزامی است. ضرورتی ندارد اعضای کمیته ها حتما عضو هیات مدیره کانون ها باشند. حضور چند هیات مدیره در هر کمیته و مشارکت دادن اعضای عادی تشکل ها در کمیته های شورا؛ پویایی و اثر گذاری کمیته ها را چند برابر می کند. همچنین ضمن برگزاری انتخابات داخلی که نیازی به مجوز هیچ نهادی ندارد مسولیت های مختلف شورا بین اعضا تقسیم شود و هر کمیته و هر منتخب مقید به ارایه مرتب گزارش فعالیت خود به شورا و در مواردی به عامه ی معلمان شود.

- انجام کنش های میدانی در شرایط متزلزل کنونی که هیچ جمعی به تایید وزارت کشور نرسیده است ظاهراً مورد توافق تشکل ها نیست. این قبیل کنش ها معمولاً توسط فعالین مستقل با نام خودجوش سازماندهی شده و به نوعی از دلزدگی جامعه ی فرهنگیان از رکود دوران بازسازی تشکل ها کاسته اند. در چنین شرایطی فرصت فعالیت برای فعالین مستقل باید همواره فراهم باشد و از رفتارهای دیکتاتور مابانه و بایکوت کنش های غیر تشکیلاتی پرهیز شود.

- ادامه ی سنگ اندازی هایی که در مجمع ۱۹ اسفند شاهد آن بودیم خیلی زود می تواند به شکلی تقابلی درآید و در آینده شاهد مقاومت فعالین مستقل به کنش های مورد نظر شورا و تشکل ها باشیم. شکل گیری چنین رویه ایی و تقابل های بیهوده ای در وهله ی اول جامعه ی معلمی و سپس آحاد جامعه را متضرر خواهد کرد. در شرایط فعلی و با ساختار تشکیلات کنونی فعالین شاخص و صاحب نظر لازم است در موضع گیری هایشان تمام جوانب را بسنجند و به تقابل هایی که جنبش را متضرر می کند دامن نزنند. ضرورت دارد هر تشکلی کنش های خود جوش را که اراده ی جمعی معلمان است، سازماندهی کرده و تداوم حرکت را در نهایت خود عهده دار شوند.

- همواره فعالین مستقل خوش فکر توانایی وجود داشته اند که به دلایل متعدد به عضویت تشکلی درنیامده اند. این دلایل می تواند ناشی از ناشناخته بودنشان در زمان مجمع ها و انتخابات هیات مدیره باشد و گاهی قربانی تمامیت خواهی گروهی از هیات مدیره ها در انتخابات بعضی مناطق بوده اند. همچنین ممکن است در محل کار و زندگیشان تشکلی برای فعالیت شکل وجود نداشته باشد. در حالیکه می توان با حمایت از فعالین مستقل گستره ی جنبش را به اقاصا نقاط کشور رساند و زمینه ی شکل گیری تشکل های صنفی جدیدی در مناطق دیگر کشور فراهم شود.

- پر واضح است کسانی هم وجود دارند که فعالیتشان رسماً جهت دار و در راستای منافع جریان های سیاسی خصوصاً اصلاح طلبان است و یا زیرکانه عامل امنیتی ها بوده و حتی خود را به شکل قهرمانان شجاع و رادیکال هم در مقطعی عرصه کرده اند و همراهی عده ای را که شناخت کافی از آن ها ندارند، به دست آورده اند. این جماعت در میان تشکل ها هم ممکن است وجود داشته باشند و اختصاصی فعالین مستقل نیست البته در تشکل ها کمتر مجالی برای جولان آن ها داده می شود ولی دور نیست که در بعضی از تشکل ها با زیرکی تشکل را از مدار واقعی صنفی خارج کرده و به سمت کنش های بی اثر و کذایی هدایت نمایند و عملاً منافع دولت ها و جریان های سیاسی و در حالت بدبینانه منافع امنیتی ها را تامین نمایند. حساب این گروه را باید از فعالین مستقل تمایز داد.

اسکندر لطفی

جمعی از فعالان صنفی پرستاران؛

«نه به وزیر بهداشت پزشک و دینفم»



جمعی از فعالان صنفی پرستاران در فضای مجازی کمپینی راه اندازی کرده و مطالبات خود را به این شرح عنوان کرده‌اند. «انتخاب وزیر غیر دینفم که البته اگر پزشک باشد دینفم است، اجرای قوانین بر زمین مانده، اجرای طرح سلامت خانواده (پزشک خانواده و نظام ارجاع)، اصلاح نظام پرداخت در حوزه بهداشت و درمان کشور، کاهش تعرفه‌های بخش خصوصی تا حدود دو برابر تعرفه‌های دولتی، اصلاح نظام آموزشی وزارت بهداشت طبق نظر کارشناسان و خارج کردن دانشگاه‌های علوم پزشکی از حالت هیأت امنایی. پرستاران می‌گویند به کاندیدایی رأی می‌دهند که شرایط آن‌ها را بپذیرد و برنامه‌هایش در راستای مطالبات صنفی آن‌ها باشد؛ کار شبانه، نبود امکانات کافی در بیمارستان‌ها و تفاوت بسیار زیاد دستمزد پرستاران با پزشکان زمینه‌ساز نارضایتی پرستاران از سیاست‌های تبعیض‌آمیز وزارت بهداشت است. درخواست پرستاران تازگی ندارد. پیش از این شورای عالی نظام پرستاری آشکارا خواستار رفع تبعیض از پرستاران شده بود: برقراری عدالت در پرداختی‌ها و تخصیص امکانات، بخشی از خواسته‌های پرستاران است. زینب فدایی، یکی از اعضای شورای عالی پرستاری به رسانه‌های داخلی گفته است: از رئیس جمهور آینده خواستاریم که عدالت همه‌جانبه را در بین تیم درمان و وزارت بهداشت برقرار نماید. دومین خواسته پرستاران هم وزیر غیر پزشک است. چون در غیر این‌صورت به پزشک‌سالاری در وزارت بهداشت ادامه پیدا می‌کند. اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری، قانون ارتقاء بهر موری و قانون مشاغل سخت و زیان‌آور نیز از دیگر مطالبات پرستاران است.

مطالبه پرستاران ورود به جایگاه های اجتماعی و سیاسی و ارتقاء حرفه پرستاری است

دکتر زینب فدایی در گفتگو با نظام پرستاری گفت: پرستاران باید در شورای شهر و مجلس شورای اسلامی ورود کنند و در اموری که مربوط به سلامت است سهمی داشته باشند... لذا حضور پرستاران توانمند در این جایگاه های سیاسی به نفع جامعه پرستاری و مردم خواهد بود. فردی که توانایی لازم در خصوص سلامت داشته باشد زمانی که با دید سلامت محور در این عرصه ها وارد شود به نفع جامعه خواهد بود و تجربه نشان داده است که در جایگاه هایی که پرستاران در پست های مدیریتی حضور داشته اند مدیریت عالی بوده و حتی پزشکان نیز به مدیریت خوب پرستاران در همه ی جایگاه ها اعتراف می کنند و می توانند به راحتی در این ارگان ها ورود کنند و تاثیر گذار نیز باشند. جامعه پرستاری اگر توانایی فرد نماینده را بشناسد و بداند که وی لایق ورود به این عرصه می باشد و می تواند به ارتقا حرفه پرستاری کمک کند باید حمایت همه جانبه از وی داشته باشند.

نظام فاسد سلامت

محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار گفته بود نظام سلامت در ایران «بسیار فاسد» است. به گفته او اختلاف پرداخت دستمزد به پزشکان در مقایسه با پرستاران در سایر کشورها چیزی حدود دو تا پنج برابر است اما در ایران پزشکان ۱۰۰ برابر پرستاران دستمزد دریافت می‌کنند. این عضو شورای عالی نظام پرستاری همچنین گفته بود شهروندان ایرانی، پزشکان و به‌ویژه جراحان را «کاسب مسلک» می‌نامند. او گفته بود: «حتی کاسبی هم قاعده و قانونی دارد و مقدار مشخصی از سود را مد نظر قرار می‌دهند اما متخصصان با دریافت ارقام نجومی تمامی قاعده و قانون کاسبی را بر هم می‌زنند و چون فرد بیمار در قبال زندگی خود معامله می‌کند، ممکن است تمام داشته‌های خود را به جراح بگذارد تا چرخ کاسبی آقایان بچرخد. هزینه‌های بسیاری از جراحی‌ها در ایران چندین برابر حقوق ماهیانه‌ای است که ایرانیان به‌طور میانگین در ماه دریافت می‌کنند. این هزینه‌ها در برخی موارد آن‌قدر بالاست که به گفته مسئولان وزارت بهداشت می‌تواند باعث سقوط خانواده بیمار به زیر خط فقر شود. پرستاران سال‌هاست که برای بهبود شرایط صنفی‌شان اعتراض می‌کنند. در سال ۹۳ بیش از هزار پرستار مقابل مجلس تجمع کرده بودند تا به تبعیض بین پزشکان و پرستاران در اجرای طرح تحول سلامت اعتراض کنند. عدم حمایت پرستاران از سوی وزارت بهداشت در حالی است که ایران با کمبود پرستار روبه‌روست. آمارها می‌گویند سالانه حدود هزار پرستار از ایران به کشورهای ترکیه، حاشیه خلیج فارس و کانادا مهاجرت می‌کنند.

مطالبات جامعه پرستاران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری

علی اشرف رحمان پناه عضو شورای عالی سازمان نظام پرستاری کشور انتظارات جامعه پرستاری در بخش حرفه ای و صنفی را چنین عنوان کرد؛ اجرای بدون قید و شرط قوانین، تأمین رفاه و امکانات رفاهی برای پرستاران با توجه به سخت و زیان آور بودن شغل و نداشتن توان این عزیزان برای بهره مندی از امکانات رفاهی مناسب و اعمال قانون تشکیلاتی و حضور نمایندگان پرستاری در حوزه های مدیریتی و هیئت امنایی از دیگر انتظارات جامعه پرستاری از رئیس جمهور آینده است.

اعتراض ۷۲ تشکل دانشجویی سراسر کشور نسبت به مشکلات صنفی

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در ایران بیانیه ای توسط ۷۲ تشکل دانشجویی سراسر کشور در اعتراض به موانع فعالیت در دانشگاه‌ها صادر شد. در بخشی از این بیانیه آمده؛

آمدن صبح امری قطعی است... امروز در حالی آمدن سی و نهمین بهار پس از انقلاب را به جشن می‌نشینیم که نسبت به آگاهی قسمتی از ملت ایران از آزادی‌های مصرح در قانون اساسی تردید داریم. تعلیق هفت انجمن اسلامی در چند ماه اخیر یا آور گذشته‌های نه چندان دور و سیاست‌های دولت نهم و دهم در قبال دانشگاه است... این برخوردها در حالی است که هیات‌های نظارت موجود در دانشگاه با چینش سخنرانان مراسم‌ها یا دخالت‌های فراقانونی در روند برگزاری برنامه‌های انجمن‌ها، با بهانه‌ی مصلحت‌اندیشی به صورت سیستماتیک به نقض آشکار قانون روی آورده‌اند. متأسفانه این شیوه از برخورد نیز ابتدا از وزارت علوم آغاز شده و در سراسر کشور بساط گسترانیده است... دخالت‌های بیرونی و احضارهای دانشجویان به نهادهای خارج از دانشگاه نیز باعث مضاعف شدن مشکلات برای فعالین دانشجویی شده است؛ به طوری که احضارهای قضایی به سقف ۵۰ نفر نزدیک شده است و فعالین انجمن‌های اسلامی قسمت بزرگی از احضارشدگان را در کنار فعالین نشریاتی تشکیل می‌دهند... تاکید می‌کنیم تشکل‌های امضاکننده‌ی این بیانیه بر راه خود در چارچوب قانون ثابت قدم بوده و علی‌رغم ارباب و سنگ‌اندازی‌ها از تاکید خود بر اجرای بی‌تنازل قانون اساسی و آزادی‌های مصرح در آن پا پس نمی‌کشند. پسندیده است نهادهای خارج از دانشگاه استقلال دانشگاه را به رسمیت شناخته و سعی در فشار و ایجاد محدودیت در دانشگاه نداشته باشند. پس از ۳۹ سال استقرار جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین، تاکید بر قانون اساسی می‌تواند گامی کوچک در جهت پاسداری از انقلاب اسلامی باشد.

مشکلات مطرح شده توسط تشکل‌ها:

- محدود کردن تشکل‌ها در ارائه امکانات، اموال و بودجه و عدم توزیع عادلانه‌ی این موارد بین تشکل‌ها با نگرش‌های مختلف.
- رد و عدم اعطای مجوز به برنامه‌های انجمن‌ها بدون کوچکترین توضیح و ارائه‌ی دلیلی از سوی هیئت نظارت دانشگاه‌ها.
- لغو ناگهانی مجوز صادر شده برای برنامه‌ها در دقایق آخر، بدون توضیح.
- دخالت نهادهای مختلف دانشگاه از جمله حراست در امور داخلی انجمن‌ها و اعمال نظر غیر قانونی حراست. دانشگاه‌ها در هیات نظارت و ارباب فعالین توسط حراست دانشگاه‌ها و هجوم به برنامه‌ها و بی‌تفاوتی مسئولین امر.
- نظارت پیش از چاپ بر نشریات و پوستره‌های مربوطه.
- تهدید و احضار فعالین به نهادهای امنیتی و عدم حمایت از آن‌ها از سوی دانشگاه و وزارتین علوم و بهداشت و مهندسی برنامه‌های دانشگاه‌ها.
- ارائه مجوز غیر قانونی و انحصاری برای برنامه ۱۶ آذر برای تشکل‌هایی با نگرش خاص.
- اعمال فشار متعدد در مورد محتوای برد و فضاها مجازی انجمن‌ها از طرف نهادهای مختلف دانشگاه (مسئول و غیر مسئول) و تخریب برد انجمن‌ها توسط افراد نامعلوم که در کمال ناباوری، منجر به احضار فعالین خود انجمن‌ها و تذکر به دبیران، به جای پیگیری حق طبیعی آنان در پاسداری از اموالشان و توبیخ مقصرین توسط معاونت فرهنگی دانشگاه شده است!
- تهدید بی‌امان فعالین به تعلیق انجمن‌ها و توقیف نشریات وابسته به آن‌ها و ثبت سوء پیشینه برای انجمن‌ها، در پی هر گونه اعتراض کوچک و بزرگ انجمن‌ها به رفتارهای فراقانونی و جناحی موجود در دانشگاه و یا درج مطالب خلاف سلیقه و عقیده مسوولین دانشگاه در نشریات انجمن‌ها
- اعمال فشار نهادهای خارج دانشگاه و سواستفاده از ابهامات قانونی برای ایجاد اختلال در برنامه‌های تشکل‌ها با مشی اصلاح طلب و بی‌عدالتی در عدم رسیدگی و تذکر در موارد مشابهی که توسط سایر تشکلها رخ داده است.
- دخالت نهادهای فراقانونی با استفاده از اختیارات و ابزارهای فراقانونی و غیراخلاقی و اعمال فشار و دخالت در امور تشکلها و هیاتهای نظارت بر تشکلها و تمکین و سکوت مذبحخانه مسوولین دانشگاه در قبال این موارد.
- اعمال فشار و سعی در ایجاد فضای رعب با تشکیل پرونده‌هایی [در نهادهای خارج دانشگاه] برای برخی از فعالین دانشجویی به دلیل برگزاری برنامه‌های درون دانشگاه و سعی در ایجاد پرونده برای فعالین دانشجویی در نهادهای خارج از دانشگاه برای ایجاد اختلال در فعالیت‌های بعدی آن‌ها در خارج از دانشگاه.

وضعیت مجید اسدی، فعال دانشجویی بازداشتی



مجید اسدی در تاریخ ۳۰ بهمن ماه سال گذشته ساعت ۱۰ شب در منزل خانوادگی خود در کرج توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. مجید اسدی، فعال دانشجویی و زندانی سیاسی سابق، پس از گذشت هفتاد روز از زمان بازداشت، همچنان در «سلول‌های چند نفره» بند ۲۰۹ زندان اوین به صورت بلاتکلیف به سر می‌برد. آقای اسدی در سایه عدم تمدید قرار بازداشت هم اکنون به صورت «غیرقانونی» در بازداشت است. مجید اسدی، فعال سابق دانشجویی پیشتر نیز در تاریخ ۱۸ تیرماه سال ۸۷ در مراسم هجده تیر دستگیر و به مدت ۵۲ روز در سلول انفرادی نگهداری شده بود. حکم دادگاه بدوی وی در اردیبهشت ماه ۸۹ به وی ابلاغ گردید، که در آن توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به تحمل ۴ سال حبس تعزیری محکوم شد. علی‌رغم درخواست تجدید نظر، بدون اینکه حکم نهایی به او ابلاغ شود، برای اجرای حکم به زندان فرا خوانده شد و از تاریخ ۱۳ مهر ماه ۹۰ تا خردادماه سال ۹۴ در زندان بود. مجید اسدی فارغ التحصیل رشته اقتصاد از دانشگاه علامه طباطبایی است و عضویت در شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشکده اقتصاد را در کارنامه خود دارد.

افزایش دانشجویان پولی و تبعیض صنفی بین دانشجویان شبانه با روزانه

شوراهای صنفی دانشجویان کشور در طرحی گرافیکی؛ مجموع دانشجویان پولی دانشگاه تهران به‌عنوان نماد آموزش عالی کشور بیش از ۶۰ درصد است که حدود ۳۰ درصد از دانشجویان این دانشگاه در پردیس‌های پولی مشغول به تحصیل‌اند و دانشجویان شبانه هر دانشکده تقریباً برابر با دانشجویان روزانه است، همچنین دانشجویان دوره‌های مجازی و کلاس‌های آزاد نیز هستند. دانشجویان می‌گویند دیگر با شرایط شهریه‌ها، دانشجوی شبانه‌شدن ساده نیست: دانشگاه‌ها به جای این‌که خودشان را توسعه بدهند و دانشجوی روزانه بیشتر پذیرش کنند، پردیس می‌سازند و دانشجوی شبانه می‌گیرند. دانشجویان شبانه دانشگاه علامه طباطبایی فقط در صورتی می‌توانند سوار سرویس‌های دانشگاه شوند که هیچ دانشجوی روزانه‌ای در صف نمانده باشد. یکی از دانشجویان این دانشگاه می‌گوید: «خوابگاه مختلط است، به این معنا که دانشجویان شبانه و روزانه با هم هستند، ولی نحوه و میزان دسترسی‌ها فرق دارند. مثلاً قیمت شام برای دانشجویان شبانه سه برابر روزانه‌هاست یا در سرویس خوابگاه به دانشگاه، اگر یک دانشجوی شبانه سوار شده باشد و جا کم بیاید، باید پیاده شود تا دانشجوی‌های روزانه سوار شوند».



صفحه اقوام و اقلیت‌های مذهبی

زمان دادگاه تجدیدنظر سیامک میرزایی به تعویف افتاد

دادگاه تجدیدنظر سیامک میرزایی، فعال مدنی محبوس در زندان اوین که قرار بود ششم اردیبهشت‌ماه سال جاری در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به ریاست قاضی زرگر برگزار شود، به دلیل عدم حضور ریاست شعبه به ۲۷ اردیبهشت‌ماه موکول شد. این فعال مدنی محبوس در بند هشت اوین در دادگاه بدوی به ده‌سال حبس تعزیری و دو سال تبعید در طبرستان محکوم شده است. سیامک میرزایی، فعال مدنی در شهر پارس‌آباد استان اردبیل، روز پنج‌شنبه ۲۴ تیرماه، در مغازه خود بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. همزمان با بازداشت سیامک میرزایی، نیروهای امنیتی با مراجعه به منزل وی اقدام به ثبت و ضبط وسایل شخصی این فعال مدنی نمودند. سیامک میرزایی که پیش‌از این نیز سابقه بازداشت دارد، تاکنون مقالات متعددی در خصوص قومیت‌های ایرانی در رسانه‌ها منتشر کرده است.

برخورد مأموران انتظامی با درویش گنابادی در شهرستان کوار

مأموران نیروی انتظامی شهرستان کوار، منزل کاظم دهقان را به محاصره‌ی خود در آوردند. این اقدام مأمورین منجر به تیراندازی گردید که متعاقب آن، درویش منطقه با تجمع در محل مذکور مانع از گسترش اقدامات خشونت‌آمیز از سوی نیروی انتظامی شدند. مأمورین پس از اجتماع درویش، منطقه را ترک کردند. آقای کاظم دهقان که پس از ماجرای حمله‌ی قشریون به درویش گنابادی کوار در شهریور ۱۳۹۰ به تبعید مادام‌العمر به زاهدان محکوم شده بود، اینک به همراه شش تن دیگر از درویش گنابادی قریب به دو سال است در تبعید به سر می‌برند. در احکام صادره از سوی دادگاه انقلاب شیراز محمدعلی شمشیرزن، کاظم دهقان و حمید آرایش مادام‌العمر به بندرعباس، زاهدان و اهواز و آقایان محسن اسماعیلی، محمدعلی دهقان، محمدعلی صادقی و ابراهیم بهرامی به مدت هفت سال به ترتیب به شهرستان‌های دزفول، زابل، مراغه و سردشت تبعید شده‌اند.

فشار به مولانا گرگیج برای عدم حضور در همایش فارغ التحصیلی طلاب دارالعلوم مکی زاهدان

بر اساس گزارش‌ها دریافتی، ماموران امنیتی ایران، مولانا محمد حسین گرگیج، امام جمعه اهل سنت آذربایجان را از شرکت در همایش فارغ التحصیلی طلاب دارالعلوم مکی زاهدان منع کردند. به گفته یک منبع مطلع، ماموران امنیتی، مولانا گرگیج را تحت فشار قرار داده و طی تماسی با ایشان، از سفر وی به زاهدان و همچنین شرکت در همایش مذکور ممانعت کرده‌اند. همزمان از استان کردستان، استان‌های جنوبی ایران و همچنین دیگر استان‌های سنی‌نشین کشور هم گزارش شده که برخی علمای اهل سنت آن مناطق نیز با چنین تهدیدهایی مواجه شده‌اند. این فشار به دلیل بیست و ششمین همایش فارغ التحصیلی طلاب دارالعلوم زاهدان است که در روز سه شنبه ۵ اردیبهشت در مصلی زاهدان برگزار می‌شود. اواخر هفته گذشته، دست اندرکاران دو حوزه علمیه صدیقیه و دارالعلوم عزیزیه وابسته به اهل سنت در شهر کنارک که طبق روال سالهای گذشته قصد برگزاری همایش فارغ التحصیلی طلاب را داشتند از سوی ماموران امنیتی ممانعت شدند.



در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در ایران؛

مولانا عبدالحمید، خواستار استفاده از شایستگان اهل سنت در کابینه دولت بعدی ایران شد

مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی سه‌شنبه ۵ اردیبهشت، در همایش دانش‌آموختگی طلاب دارالعلوم زاهدان، اعلام کرد: استفاده از شایستگان اهل سنت در کابینه دولت بعدی، مهمترین درخواست جامعه اهل سنت است. امام جمعه زاهدان در همایش مذکور تصریح نمود: «متأسفانه با گذشت ۳۸ سال از عمر انقلاب ایران هنوز فردی از اهل سنت در کابینه دولت حضور نداشته است» و باید این مشکل حل شود. ایشان در ادامه، با بیان اینکه متأسفانه جامعه اهل سنت کشور هنوز با مشکلات متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کند، گفت برای جامعه اهل سنت ایران پذیرفتنی نیست که شهروند درجه دو و سه باشد، بلکه می‌خواهد «شهروند درجه یک» باشد و از حقوق مساوی با سایر ملت ایران برخوردار باشد. به گفته امام جمعه زاهدان، اینکه گاهی اوقات برخی از مسئولین می‌گویند اهل سنت شهروند درجه یک هستند، این صرفاً یک تعارف است و باید این سخن و ادعا در عمل ثابت شود. مولانا عبدالحمید همچنین بر «استخدام شایستگان اهل سنت» تأکید کرد و گفت: متأسفانه علی‌رغم گذشت ۳۸ سال از عمر انقلاب در ایران، حتی یک وزیر از اهل سنت در کابینه حضور نداشته است، درحالی‌که در بین اهل سنت افراد شایسته‌ای وجود دارند که اگر از آنها استفاده شود می‌توانند در رده‌های مختلف بهترین خدمات را برای نظام و ملت انجام دهند. ایشان خاطر نشان کرد: اهل سنت ایران خواهان عزت و کرامت هستند و یکی از راه‌های تحقق این کرامت بکارگیری و مشارکت دادن آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور است. وی «رفع ممنوعیت قانونی اهل سنت برای تصدی پست ریاست‌جمهوری» را نیز خواستار شد و اظهار نمود: معتقدیم قانون اساسی کشور در مورد ممنوعیت تصدی اهل سنت برای پست ریاست‌جمهوری تغییر پیدا کند.

مولانا ساداتی برای رفع ستم قومی و مذهبی خواستار تغییر قانون اساسی شد

مولوی عبدالصمد ساداتی، امام جمعه سراوان در استان سیستان و بلوچستان خواستار تغییر بندهایی از قانون اساسی برای کاندید شدن شهروندان سنی مذهب برای پست ریاست جمهوری شد. ایشان در مراسم هشتم اردیبهشت نماز جمعه شهر سراوان، کاندید شدن اهل سنت برای پست ریاست جمهوری را از حقوق ملی و شهروندی آن‌ها دانست. به گفته این چهره سرشناس سنی مذهب، تغییر این بند قانون، قابل اصلاح و موجب وحدت ملی و اسلامی در کشور می‌شود. امام جمعه سراوان تأکید کرد: ممانعت از کاندید شدن اهل سنت برای ریاست جمهوری، تبعیض و تفاوت بین شهروندان یک کشور بشمار می‌رود. مدیر دارالعلوم سراوان در ادامه خاطر نشان کرد



گرچه ریاست جمهوری بودن اهل سنت محدودیت قانونی دارد، اما گذاشتن وزیر، معاون وزیر، معاونان، مشاوران، سفیر و استاندار و انتخاب کابینه از اختیارات دولت و رئیس جمهور است و این موارد منع قانونی ندارد. سخنان مولوی ساداتی بعد از آن مطرح می‌شود که مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی نیز سه‌شنبه ۵ اردیبهشت، در همایش دانش‌آموختگی طلاب دارالعلوم زاهدان، اعلام کرد: استفاده از شایستگان اهل سنت در کابینه دولت بعدی، مهمترین درخواست جامعه اهل سنت است. وی «رفع ممنوعیت قانونی اهل سنت برای تصدی پست ریاست‌جمهوری» را نیز خواستار شد و اظهار نمود: معتقدیم قانون اساسی کشور در مورد ممنوعیت تصدی اهل سنت برای پست ریاست‌جمهوری تغییر پیدا کند. شایان ذکر است که طبق اصل ۱۱۵ قانون اساسی ایران، اعتقاد به مذهب شیعه، از شرایط اصلی تصدی پست ریاست جمهوری در ایران است.